

زنده باد مبارزه مستقل کارگری!

درسهائی از مبارزات و اعتصابات معدن بافق



صدای انترناسیونالیستی

Homepage: www.internationalist.tk

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

اعتراض بردگان مزدی، لگد مال شدگان دنیای وارونه سرمایه داری به شرایط جهنمی شان و دیدن همبستگی کارگران و اعتصاب آنان، نه تنها شور و شوق دیگر بردگان مزدی را به همراه دارد، بلکه الهام بخش دیگر استثمارشدگان برای نبرد در راستای خواسته هایشان نیز خواهد بود. معدنچیان بافق در ماههای اخیر اعتراضات و اعتصابات در راستای برخی خواستها سازمان دادند. گرایشات متفاوت چپ دستگاه سیاسی سرمایه همچون سابق در واکنش به این اعتراضات فقط به تملق گوئی پرداختند و عوام فریبی کردند. نگاهی به این اعتراضات و درس گیری از نکات قوت و ضعف این اعتراضات و اعتصابات حائز اهمیت است.

ابتدا نگاهی اجمالی به زمینه های شکلگیری این اعتراضات می اندازیم. سازمان خصوصی سازی طی اطلاعیه ای به تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ اعلام کرد که ۲۸/۵ درصد از سهام شرکت سنگ آهن مرکزی بافق از طریق «فرا بورس» به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. معدنچیان تجربه خصوصی سازی واحدهای تولیدی را دارند و نگران عوارض خصوصی سازی بودند که شامل کاهش نیروی کار، کاهش دستمزدها، نا امنی شغلی، افزایش شدت کار و غیره میشد. لذا کارگران با طرح خواستههای خود در ۱۶ بند به تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

حدود ۵ هزار کارگر ۳۹ روز به اعتصاب ادامه دادند. به تبع اعتصاب بورژوازی میلیارد ها تومان زیان متحمل شد، اما همچنان «درایت» خود را حفظ کرد و به نیروی سرکوب متوسل نشد. سرانجام چهارم تیر ماه ۱۳۹۳ استاندار یزد محمد میر محمدی نامه کتبی وزرای اقتصاد و دارائی مبنی بر «لغو موقت» خصوصی سازی را به کارگران ارائه داد. در نامه وزرای دارائی و اقتصاد قید شده بود که سرنوشت نهائی این بخش از سهام توسط استاندار یزد (نماینده بورژوازی محلی) تعیین خواهد شد. بدنبال «لغو موقت» خصوصی سازی کارگران به سر کار خود برگشتند.

علی ربیعی وزیر کار بورژوازی اسلامی، یک ماه پس از اعتصاب کارگران به بافق سفر کرد و حمایت خود را از اعتصاب کارگران اعلام کرد و عملاً تاکید کرد که هر چقدر هم اعتصاب به طول می کشید، هرگز کارگر ان سرکوب نمی شدند و این چنین اظهار داشت:

"اگر این اعتصاب بجای ۳۹ روز ۳۳۹ روز هم طول می کشید نمی گذاشتیم از دماغ کارگری خون جاری شود." [۱]

اما بعد از برگشت وزیر کار و در پی شکایت کارفرما، دستگاه قضائی حکم دستگیری ۱۸ تن از کارگران را صادر کرد. دستگاه قضائی بسیار زیرکانه خواست و انمود کند که سرکوبی در کار نیست، بلکه دستگاه قضائی تنها در پی اجرای عدالت است و حکم دستگیری کارگران تنها بدنبال شاکی خصوصی (کارفرما) صادر شده است. دو کارگر بلافاصله دستگیر و نیروی انتظامی بدنبال دیگر کارگران شد. در اعتراض به این بازداشت ها کارگران معدن از شامگاه ۲۸ مرداد دست از کار کشیدند. روز بعد کارگران بازداشتی آزاد شدند اما یگان ویژه در معدن مستقر شد و همان کارگران اول شهریور مجدداً دستگیر شدند. ۷ کارگر دیگر نیز توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند. دو روز بعد یگان ویژه به مرکز استان یزد برگردانده شد. ظاهراً فرستادن یگان ویژه و سپس برگرداندن آن بخشی از جنگ قدرت بورژوازی محلی با بورژوازی مرکز بوده است. در

این رابطه محمدعلی طالبی معاون سیاسی و امنیتی استانداری یزد درباره حضور مأموران یگان ویژه پلیس در بافق اظهار داشت:

"در دوره‌ای ضرورت داشت و هنگامی که آن ضرورت رفع شد آنها به مرکز استان بازگشتند."

ترکیب بازداشت شدگان نیز قابل تامل است. یکی از بازداشت شدگان آقای محمد حسن تشکری رئیس شورای اسلامی شهر بافق بود. نهادی که «شورای» اسلامی نامیده می‌شود، بخشی از ارگان سیاسی و اجرائی بورژوازی است. نهادی که نقش بسزائی در استثمار کارگران و سیه روزی آنها ایفا کرده و می‌کند و آقای تشکری ریاست چنین ارگانی را به عهده دارد و وظیفه او پیشبرد منافع این نهاد بورژوائی است.

سرانجام بدنبال مذاکراتی بین مقامات دولتی و امنیتی با معدنچیان، کارگران دستگیر شده آزاد شدند، خصوصی سازی معدن لغو شده و قرار است ۲۸/۵ درصد از سهام معدن به شهرستان بافق واگذار شود.

مسئله حائز اهمیت در این اعتراضات که چپ سرمایه تمام تلاش خود را کرد تا در پرده ای از ابهام بماند، این است که خواستهای کارگران در راستای خواست بورژوازی محلی بود و یا به عبارت دیگر کارگران بعنوان سیاهی لشکر و بعنوان ابزار اعتراض بورژوازی محلی قرار گرفتند و در این راستا بورژوازی محلی، شورای اسلامی شهر، امام جمعه و ... توانست به میمنت مبارزات کارگران به خواستهای خود دست یابد. این یک پیروزی برای بورژوازی بومی بود. بورژوازی محلی توانست ۲۸/۵ درصد از سهام را از آن خود کند. در این رابطه استاندار یزد اعلام کرد که مردم، نهادها و شرکت های خصوصی می توانند تا ۲۸/۵ درصد از سهام را خریدار شوند. محمدعلی طالبی، معاون سیاسی، امنیتی استاندار یزد این چنین گفت:

"تصمیم امروز در نشستی با حضور معاون امنیتی وزیر کشور، معاون فرمانده ناجا، قائم مقام وزیر تعاون و مسئول صندوق بازنشستگی فولاد اتخاذ شده است. مهمترین موضوع این نشست منتفی شدن واگذاری ۲۸/۵ درصد از سهام سنگ آهن در فرابورس بود. مقرر شد در صورت آمادگی مردم، نهادها و شرکت های خصوصی بومی شهرستان تا سقف ۲۸ و نیم درصد در چارچوب برنامه های خصوصی سازی به آنها واگذار شود." [۲]

منظور آقای طالبی معاون استاندار از «مردم» قطعاً کارگرانی نیست که در زیر خط فقر و در شرایط اسفناکی زندگی میکنند و همیشه هشت شان گرو نه شان است، بلکه بورژوازی و دیگر روسای محلی است.

یکی از مسائلی که جناح چپ سرمایه چه در کشورهای متروپل و چه در سرمایه پیرامونی به آن دامن میزند، این است که گویا سرمایه دولتی ب فکر حداکثر سود نیست و در این شاخه امنیت شغلی و دیگر مزایا وجود دارد. بر خلاف این عوام فریبیان باید تاکید کرد که ناامنی شغلی، کاهش دستمزدها و غیره فقط محصول سرمایه خصوصی نیست، بلکه بخشی از متابولیسم سرمایه چه خصوصی و چه دولتی است. سرمایه دولتی نیز بنا به ذات درونی خود بدنبال سود بیشتر با هزینه کمتر است. آمار وحشتناک قرار دادهای موقت، سفید و غیر رسمی در صنایع دولتی گواه این مدعاست، حتی در

این رابطه اعتراضات و اعتصابات نیز در صنایع پتروشیمی در چند سال اخیر روی داده است. این مسئله مختص سرمایه پیرامونی مثل ایران نیست، شهرداریهای بریتانیا در سالهای اخیر پانصد هزار فرصت شغلی را از بین برده اند. در کشورهای متروپل در صنایع مهم حتی اگر صنایع خصوصی دچار بحران شود، دولت با وام های بلا عوض آنها را از ورشکستگی نجات میدهد.

عدم برگزاری مجمع عمومی به سبک و سنت کارگری و انتخاب نمایندگان آگاه به منافع طبقاتی خود و سازماندهی مستقل مبارزات، باعث شد تا کسانی چون محمد حسن تشکری رئیس شورای اسلامی شهر نماینده کارگران انتخاب شود. این مسئله هرگز به مفهوم این نیست که کارگران مذهبی نمی توانند بعنوان نماینده انتخاب شوند و یا اگر هم انتخاب شدند، حتما مرجع هستند. شورای اسلامی شهر یک نهاد سیاسی و اجرائی بورژوائی است، نقش مهم و مستقیمی در تباهی کارگران دارد و رئیس آن بنا به وظیفه خود، در حله اول مسئولیت پیشبرد وظایف چنین نهادی را بعهده دارد. قطعا نفوذ کسانی چون آقای محمد حسن تشکری بود که باعث شد تا کارگران مراسم «دعای کمیل و زیارت عاشورا» براه بیندازند. به جای شور و تبادل نظر در مورد شرایط فلاکت بار زندگی خود و همچنین سرنوشت اعتراض خود، باید کارگران را با ایدئولوژی ارتجاعی مسموم می کردند. تا کارگران در اعتراض خود به جلو نروند و ماهیت طبقاتی به اعتراض های خود ندهند.

همین مسئله در مورد یکی دیگر از نمایندگان کارگران یعنی آقای محمد رضا صباغیان صادق است. محمد رضا صباغیان که رابطه محکمی با ارگانها و مقامات بورژوازی اسلامی دارد با ترفند های خود و تحت عنوان حمایت و نمایندگی از خواستهای کارگران اما در عمل نقش مهمی در تصمیم گیری اعتراضات و اعتصاب ایفا کند و عملا اعتراضات کارگران را به مجرای قانونی و خواست بورژوازی محلی کانالیزه کند، کاری که اتحادیه های کارگری به شکل و مضمون دیگری در کشورهای اروپای غربی انجام میدهند. در رسانه های محلی و حکومتی حضور پیدا کند و نقش مذاکره چی را با مقامات و ارگانهای بورژوازی ایفا کند.

محمد رضا صباغیان سعی کرد عوام فریبی کند که گویا مسئولین نظام و دولت اطلاعات درستی از وضعیت کارگران ندارند، اطلاعات غلط به آنها داده شده است. به عبارت بهتر سرمایه و دولت آن را از زیر ضرب بیرون بکشد و به گردن مسئولین درجه چند بیندازد، او اظهار داشت:

"در دو ماه گذشته برای احقاق حقوق بافق بالای ۱۰۰ جلسه ریز و درشت با مسئولین شهر و استان داشته‌ایم... همین امروز به درخواست ما جلسه‌ای با استاندار تشکیل شد ما در این جلسه متوجه شدیم اطلاعاتی که به استاندار داده می‌شود غلط است." [۳]

اما صباغیان ناخواسته به نکته مهمی اشاره می کند. مسئولین دولتی، غیر دولتی و کارفرما هرگز نمی خواهند، کارگران به قدرت طبقاتی خود پی ببرند، اعتماد بنفس طبقاتی پیدا کنند و به این نتیجه برسند که تنها در سایه مبارزه مستقل خود می توانند شرایط زندگی و کار خود را بهتر کنند. بورژوازی می داند اگر غول خفته بیدار شود، سیستم سرمایه داری را به چالش خواهد کشید. صباغیان اظهار داشت:

"قرار بر این شد آزادی کارگران و اعلام دستاوردها امشب انجام و فرصت یک ماهه‌ای داده شود تا خواسته‌ها پی‌گیری شود و مقرر شد این قول را فرماندار شهر بیاید و به مردم بدهد و این موضوع را استاندار پذیرفت. اما از ساعت چهار عصر هرچه با آقای استاندار و معاون سیاسی امنیتی تماس گرفتیم پاسخ ندادند. او ادامه داد: بیایید به شما بگویم چرا آن‌ها حاضر نشدند این کار را انجام دهند چون آن‌ها فکر می‌کنند اگر به خواسته کارگران لباس عمل بپوشانند این موضوع نوعی برنده شدن برای کارگران است و اگر یک بار خواسته آن‌ها را برآورده ساختیم آن‌ها دوباره اعتراض می‌کنند و من به آن‌ها می‌گویم دست از این توهمات بردارید." [۴]

حجت‌الاسلام دخیل‌عباس زارع‌زاده مهریزی نماینده شهر بافق در مجلس بورژوا نیز حامی کارگران شد و حمایت قاطع خود را از اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن بافق و خواسته‌هایشان اعلام کرد و اظهار داشت، تحصن کارگران تا رسیدن به خواسته‌هایشان ادامه خواهد یافت، البته غیر مستقیم تاکید کرد که فضای شهر را تحت کنترل دارند و این چنین گفت:

"فضای عمومی شهر بسیار آرام است ولی این تحصن‌ها تا محقق شدن خواسته کارگران ادامه دارد." [۵]

نماینده رهبر معنوی بورژوازی در شهرستان بافق، امام جمعه بافق نیز به جمع مدافعان حقوق کارگری پیوست. حجت‌الاسلام «جواد سلیمانی»، امام جمعه بافق پنجم شهریور ۱۳۹۳ در جلسه امام جمعه‌های استان یزد با طرح موضوع بازداشت ۹ کارگر معدن سنگ آهن بافق، آیت‌الله «محمد رضا ناصری»، امام جمعه یزد را در جریان وقایع و مطالبات کارگران متحصن در معدن گذاشت و خواسته‌های اهالی شهر بافق را به اطلاع او رساند و برای آزادی ۹ کارگر بازداشتی تلاش کرد. حتی مجبور شده علیرغم میل باطنی نماز جمعه را بخواند:

"نماینده ولی فقیه در شهرستان بافق به عدم برگزاری نماز جمعه امروز اشاره کرد و عنوان داشت: علی‌رغم میل باطنی برای برگزاری نماز جمعه این هفته طی تماس مستقیم از تهران و درخواست از بنده برای برگزاری نماز جمعه در حد ارائه گزارش به مردم، در مسجد جامع حاضر شدم و قرار شد مشکلات از طریق اژه‌ای معاون آیت‌الله لاریجانی، رئیس قوه قضاییه پیگیری شود." [۶]

واقعیت این است که در دیگر اعتراضات کارگری در سالهای اخیر تشکیل مجمع عمومی بهتر از اعتراضات بافق بوده است و همچنین توهم به نهادهای دولتی و غیر دولتی خیلی کمتر از معدنچیان بافق بوده است. برای نمونه با وجود همه محدودیت‌هایی که اعتصابات صنایع پتروشیمی، اسفند ۱۳۸۹ پتروشیمی تبریز و فروردین ۱۳۹۰ پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به قراردادهای موقت داشتند، چندین ویژگی مهم داشتند. یکی از ویژگیها گسترش اعتصاب به دیگر صنایع پتروشیمی نظیر پتروشیمی امیرکبیر، خوزستان، شیمیائی رازی، تندگویان، بوعلی و اروند بود و ویژگی مهم دیگر اعتصابات صنایع پتروشیمی، تکیه به قدرت طبقاتی کارگران بود. کارگران اعتصابی دست به دامان نهادها و ارگانهای بورژوازی برای تحقق خواسته‌های خود نشدند بلکه روند انباشت ارزش اضافه و سود سرمایه را قطع کردند.

سوالی که مطرح می شود، این است، چرا مقامات و نمایندگان ریز و درشت بورژوازی از این اعتصابات و اعتراضات حمایت کردند و علیرغم چندین اعتصاب سرکوبی صورت نگرفت. این در حالی است که بورژوازی اسلامی یکی از هارترین و وحشی ترین بورژوازی منطقه است. کوچکترین اعتراض و اعتصاب با سرکوب وحشیانه مواجه می شود. بورژوازی اسلامی راهپیمایی آرام کارگران مس خاتوان آباد در اعتراض به عدم امنیت شغلی را از زمین و هوا بخون کشید. کارگران در اعتراض به ابتدائی ترین خواست ها، در جای جای این جامعه به حبس های طولانی محکوم شده و در زندان بسر می برند!؟

حال ببینیم این پیروزی بورژوازی محلی را چه دستگاه سیاسی سرمایه و از آن جمله حزب ضد کمونیست حکمتیست جناح مدرسی چگونه شیادانه در سر مقاله حکمت پیروزی جنبش کارگری در تاریخ معاصر می نامد. قطعاً بورژوازی محلی از اینکه توانسته است ۵ هزار کارگر را ماهها بدنبال خواسته های خود بکشد و سپس به منافع خود دست یابد، خشنود است. «عوام فریبی» به تنهایی عبارت بسیار ناقص برای توصیف عملکرد عوام فریب این شیادان است. جناح چپ بورژوازی (حکمتیستها) پیروزی بورژوازی محلی را این چنین سرمستانه اعلام می نماید:

" نهم شهریور ماه ۱۳۹۳! این یک روز ویژه نه فقط در جنبش کارگری بلکه در تاریخ معاصر ایران است. این روزی است در یک چرخش ناگهانی رئیس جمهور و کابینه دولت، مجلس و قانون جمهوری اسلامی کشک از آب درآمدند. این یک اصطلاح عامیانه است. اما برای آنچه که در این روز در شهر بافق گذشت چه عبارت بهتری را میتوان انتخاب کرد؟ اخبار در این روز بیانگر پیروزی اعتصاب کارگران معدن این شهر بود. "پیروزی" به تنهایی عبارت بسیار ناقص برای توصیف رویدادهاست. باید از خود پرسید: کدام پیروزی؟ پیروزی در مقابل چه کسی؟ تا بتوان تازه به دنیای واقعیت لابلای سطور خبر نزدیک شد. "[۷]"

یکی دیگر از مسائلی که بیشتر رسانه ای شد چه توسط نهادهای دولتی و غیر دولتی و چه توسط چپ سرمایه توسعه زیر ساخت های شهر بافق بود. همه نهادهای سرمایه، بخصوص چپ دستگاه سیاسی آن، سعی کردند این مسئله را یک پدیده مجزا از سیستم سرمایه داری ارزیابی کنند. پرورش نیروی کار (آموزش و پرورش) و حفظ دراز مدت کارائی آن (درمان، رفاه اولیه و...) و غیره از ضرورت های اولیه جامعه مدرن برای تولید ارزش اضافه و انباشت سرمایه است.

در مدرن ترین کلان شهرهای ایران همچون تهران، تبریز، شیراز و غیره مناطقی وجود دارند که شهر بافق در مقایسه با آنها خیلی پیشرفته است. این مسئله در مورد محیط زیست نیز صادق است، گرم شدن هوای کره زمین به خاطر افزایش گازهای گلخانه ای، عوارض وحشتناکی که برای مردم کره زمین بوجود آورده است و سرمایه آمریکائی را نتوانسته راضی کند که میزان گازهای گلخانه ای را کاهش دهد.

اگر انباشت سرمایه ضرورت پیدا کند، در قطب شمال نیز رفاه ایجاد می کند، کاری که بورژوازی نروژ در راستای منافع خود انجام داده است.

ما بارها اعلام کرده ایم که «چپ سرمایه» با هر پیشوند یا پسوندی، چپ دستگاه سیاسی سرمایه است. جناح چپ بورژوازی را نمایندگی می کند. در کشورهای پیرامونی سرمایه، مدافع سر سخت رشد و صنعتی شدن سرمایه هست. مدافع بهتر شدن شرایط نیروی کار همچون کشورهای غربی برای اهداف دراز مدت سرمایه هست. اتحاد سوسیالیستی کارگری به وضوح این مسئله را در همه جا دنبال می کند. اینکه اتحاد سوسیالیستی با کلاشی شکل مردم پسند و رادیکال به مفاهیم اقتصاد سرمایه داری و زیربنای جامعه و شهر سازی میدهد، تنها عوام فریبی زمخت آنها را نمایش میدهد، عین وعده هائی که نمایندگان مجلس بورژوا در دوران کارزار تبلیغاتی ارائه میدهند و خودشان نیز می دانند حرف پوچ است. اتحاد سوسیالیستی کارگری این چنین دُرَفشانی می کند:

"علاوه بر مطالبه اصلی که لغو خصوصی سازی و عدم فروش معدن به شرکت فولاد خوزستان است، معدنچیان هم چنین خواهان برکناری مدیر عامل فعلی، تامین بودجه برای ساخت کارخانه هائی در جوار معدن که باعث ایجاد اشتغال و رونق شهر می شود، ترمیم و توسعه جاده بافق- کرمان، اجرای قانون مربوط به مشاغل سخت و زیان آور از جمله غرامت حق اشعه و تضمین امنیت شغلی کارگران شده اند. معدنچیان بافق با اینکه هنوز تشکل مستقل خود را ندارند ولی صفوف متحد و مبارز خود را به دقت علیه سرمایه سازمان داده اند و در این مبارزه نه تنها از معیشت و کار خود دفاع می کنند، بلکه با لیست مطالباتی خود نشان می دهند که منافع ساکنان زحمتکش شهر معدنی بافق را نیز در نظر دارند و طرح و برنامه ی مشخصی برای آن ارائه کرده اند و در واقع درک عمیق خود را از مسائل شهری که اقتصاد آن وابسته به معادن اطراف آن است را به نمایش گذارده اند" [۸]

حزب کمونیست کارگری بیشتر از دیگر گرایشات چپ سرمایه، اعتصاب و اعتراضات بافق را در معرض تبلیغات خود قرار داد. سعی کرد نقش تبلیغاتی احزاب چپ سرمایه در اروپای غربی را ایفا کند. نقش خود را بخوبی ایفا کرد. عوام فریبی دیگر گرایشات سرمایه را در حجمی بیشتر تکرار کرد. شادمانه، پیروزی بورژوازی محلی را به شکل مضمّن کننده زیرین بیان کرد:

"مقامات ریز و درشت حکومت در تهران و یزد و بافق آزادی کارگران زندانی را مشروط به شروع کار کارگران معدن کردند و کارگران و خانواده هایشان تاکید کردند تا همکاران مان آزاد نشوند به اعتصاب پایان نمیدهیم و سرانجام حکومت عقب نشست و تسلیم خواست کارگران شد.

این خط قرمز ناجا، نیروی انتظامی، فرماندار، استاندار، وزارت کشور و وزارت کار و وزارت اطلاعات بود و نیروی متحد کارگران و مردم بافق همه آنها را مجبور کرد از آن عبور کنند و کارگران را آزاد کنند تا کار در معدن شروع شود ... بدین ترتیب اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر معدن بافق و تحصن یازده روزه خانواده های کارگران زندانی پایان یافت و کارگران با احساس غرور و موفقیت ماشین ها را روشن کردند." [۹]

هم زنجیران!

این پیروزی، پیروزی بورژوازی محلی، فرماندار، امام جمعه، حکمتیستها، کمونیستهای کارگری، راه کارگری ها و غیره از طریق نیروی ما بود، فرق شان هم فقط در این است که گرایشات متفاوت بورژوازی را نمایندگی می کنند. بورژوازی در جنگها لباس نظامی تن ما می کند و برای رسیدن به

منافع امپریالیستی خود، ما را گوشت دم توپ می کند. در رقابتهای امپریالیستی شان، از نیروی ما جهت پیروزی بر رقیب استفاده می کنند، ما تلوان و عواقب بحران سرمایه داری را می پردازیم، در حالیکه ما خالقان نعمات بشری هستیم.

برندگان مزدی! سرمایه داری منشأ تمامی نابسامانی ها و بدبختی ها در سراسر جهان است. منافع ما فقط در مبارزه مستقل کارگری، در مبارزه طبقاتی است. هر گونه بهتر شدن شرایط زندگیمان تنها از طریق مبارزه مستقل کارگری امکان پذیر است. تقویت صف مستقل پرولتاریا، تکیه به قدرت طبقاتی خودمان و زدودن هر گونه توهمات به نهادهای بورژوائی تحت هر عنوانی، چه چپ دستگاه سیاسی سرمایه و چه نهادهای دولتی و غیر دولتی، درس هائی است که باید از این اعتراضات گرفت. تنها مبارزه طبقاتی است که می تواند چشم اندازی برای آینده طبقه ما ارائه دهد. مبارزه طبقاتی از طریق کمیته اعتصاب، کمیته کارخانه، کمیته معدن و غیره که منتخب مجامع عمومی هستند و اعضای آن آگاه به منافع طبقاتی خود و هر زمان قابل عزل شدن نیز هستند، پویائی انقلابی به مبارزه طبقاتی میدهد، جهت آن را مشخص می کند و سرمایه داری را به چالش می کشد.

شبح مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بیش از هر چیزی از آن وحشت دارد، بخاطر آن که مبارزه طبقاتی در روند تکاملی خود منجر به انهدام انقلابی نظام سرمایه داری خواهد شد. ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهایمان و جهانی که بدست می آوریم!

م جهانگیری

۲۷ شهریور ۱۳۹۳

توضیحات:

[۱] پایگاه خبری تحلیلی «بافق فردا» وابسته به دولت

<http://www.bafghfarda.com/?p=47439>

<http://www.bafghfarda.com/?p=47628>[۲]

<http://www.yazdfarda.com/news/1393/06/92723.html>[۳]

[۴] منبع بالا

<http://www.ana.ir/Home/Single/103231>[۵]

<http://www.bafghfarda.com/?p=47566> [۶]

[۷] نشریه حکمت شماره ۳۱ از حزب حکمتیست جناح مدرسی

[۸] از اطلاعیه اتحاد سوسیالیستی کارگری تحت عنوان « درود بر معدنچیان سنگ آهن بافق!» بتاريخ ۴

شهریور ۱۳۹۳

[۹] از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری تحت عنوان « کارگران بافق با موفقیت به اعتصاب پایان دادند!»